

# تحلیل حقوقی مطبوعات مهاجران افغانستانی

امروزه مطبوعات به عنوان ابزار مؤثر و قوی جهت اطلاع‌رسانی و روشن‌سازی افکار مردم و بستر انتقال اطلاعات مطرح است و نقش آن در تحول و انکشاف جوامع واضح و آشکار است و رکن چهارم Fourth estate جامعه به حساب می‌آید. به این معنی که غربی‌ها مطبوعات را پس از روحانیت، اشراف و توده‌ی مردم به شمار می‌آورند و برخی آن را پس از تکنولوژی، مدیریت و حاکمیت رکن مؤثر اجتماع قلمداد می‌کنند و در نظام دموکراتیک بعد از ارکان سه‌گانه یا قوای سه‌گانه: مقننه، مجریه و قضائیه، مطبوعات مهمترین رکن اجتماعی محسوب است. به هر

علی پیام □

نحوه، در جهان کنونی، مطبوعات یکی از نمودهای توسعه‌یافتگی و تحول اجتماعی به شمار می‌رود. به‌طور کلی مطبوعات از سه منظر قابل

مطالعه و بررسی است: **تأثیر علوم انسانی**

نخست - مطبوعاتی که در یک کشور آرام، مستقل و دارای شخصیت بین‌المللی، حاکمیت ملی National sovereignty و حاکمیت دولتی State Sovereignty به وجود می‌آید. مثلاً مطبوعات کشور افغانستان پیش از کودتای هفت ثور ۱۳۵۷ (اپریل ۱۹۸۷) و یا ایران، ترکیه، چین و غیره. این‌گونه مطبوعات دارای وجایب حقوقی و قانونی مخصوص خودش است. در چوکات قوانین موضوعه پدید می‌آید و حق و تکلیف آن معین و مشخص است که فعلاً در این نوشته مدنظر نگارنده نیست.

دوم - مطبوعاتی که از سوی گروه‌های مخالف یک رژیم سیاسی (چه رژیم قانونی و یا غیر قانونی) در داخل یک سرزمین به وجود می‌آید مانند نشریاتی که از سوی نیروهای جهادی در دهه‌ی اشغال افغانستان توسط شوروی سابق در داخل سرزمین

افغانستان منتشر می‌شد. البته این نوع مطبوعات بحث حقوقی خاص خود را می‌طلبد که فعلاً نه کاربرد دارد و نه نگارنده در صدد مطرح کردن آن است.

سوم - مطبوعاتی که توسط مهاجران و پناه‌گزینان یک کشور در غیر از کشور متبوع به وجود می‌آید. مثلاً مطبوعاتی که توسط مهاجران افغانستانی در ایران، پاکستان، آمریکا و یا دیگر کشورهای اروپایی، آمریکایی، آسیایی تأسیس و فعال شده است. در این نوشته کوشش بر این است که گوشه‌هایی از وجایب حقوقی مطبوعات مهاجران افغانستانی در دیگر کشورها باز شده و مورد بحث قرار گیرد. البته تکیه بیشتر و یا ثقل بیشتر بحث را مطبوعات مهاجران افغانستانی مقیم ایران در بر می‌گیرد. زیرا با این کار هم از گستردگی بحث جلوگیری خواهد شد و هم برای نگارنده امکان دسترسی به قواعد و قوانین دیگر کشورهایی که هموطنان ما اقامت دارند، نبود. بناً سعی شده است که با توجه به قواعد حقوقی، پیرامون مطبوعات مهاجران پرداخته و تحلیل شود.

### شخصیت حقوقی مطبوعات مهاجران افغانستانی

در بدو امر این سؤال در ذهن ما خلق می‌شود که آیا مطبوعات مهاجران ما در کشورهای پناه گرفته دارای یک شخصیت حقوقی و قانونی است یا خیر؟ زیرا قانوناً اگر چیزی در چوکات قانون و مقررات شکل نگیرد، یعنی اینکه اصلاً پدید نیامده است. و وقتی چیزی پدید نیاید معنایش این است که هیچ آثار حقوقی بر آن مترتب نیست. این بحث مستلزم آن است که بنگریم آیا واقعاً مطبوعات مهاجران ما دارای یک وجود و یا شخصیت حقوقی است یا خیر؟

ژوهرشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

### اقسام شخص حقوقی

شخص دو قسم است:

- ۱- شخص حقیقی: عبارت است از آدمی و انسانی که طبق قانون مدنی ایران ماده ۹۵۶ اهلیت برای دارا بودن حقوق، با زنده متولد شدن انسان شروع می‌شود و با مرگ او تمام می‌شود. اما شخص حقوقی با اجازه قانون تأسیس می‌یابد و با منع قانون پایان می‌یابد و واحدی است که قانون آن را به عنوان شخص شناسایی نماید و این واحد دارای ظرفیت مالک شدن و دارا شدن حقوق باشد. و ظرفیت انجام وظیفه و تعهد را نیز دارا باشد.<sup>۱</sup>
- ۲- شخص حقوقی: شخص حقوقی آن چیزی است که صلاحیت Capacity دارا شدن حقوق (Right) و تکالیف (Duties) و نیز صلاحیت اجرای آن را داشته باشد. به این نوع شخصیت، شخصیت قانونی نیز گفته می‌شود زیرا بر اساس قانون و با اجازه قانون

۱- محمدحسین، ساکت، دیباچه‌ای بر دانش حقوق ج ۱ (مشهد، نشر نخست) ۱۳۷۱.

موجود وجود می‌گیرد. گرچه اصولاً عاملان حقوق و یا دارندگان حق (Right) و تکلیف (Liability) انسان‌ها و ولی مؤسسات و جمعیت‌ها نیز مانند اشخاص طبیعی از شخصیت حقوقی برخوردارند و دارایی و تکالیف جدای از دارایی و تکالیف تشکیل‌دهندگان خود دارند. به این شخصیت گروهی (group personality) در اصطلاح حقوق، شخص حقوقی (و نیز غیرطبیعی، فرضی، اعتباری، قانونی یا اخلاقی Incorporation و corporate Body می‌گویند)<sup>۱</sup>

شخص حقوقی (شرکت، مؤسسه، باشگاه یا انجمن) که با توافق اشخاص طبیعی ایجاد می‌شود از حقوق و تکالیف یک شخص طبیعی برخوردار است.<sup>۲</sup> منتهی طبق ماده شماره ۵۸۸ قانون تجارت جمهوری اسلامی ایران «شخص حقوقی می‌تواند دارای کلیه حقوق و تکالیفی شود که قانون برای افراد قائل است مگر حقوق و وظایفی که بالطبع فقط انسان ممکن است دارای آن باشد. مانند حقوق و وظایف اہوت، نبوت و...»

برای شکل‌گیری شخص حقوقی «دو یا چند تن یا یک گروه گردهم می‌آیند و با توافق خود، شرکت، مؤسسه، باشگاه یا انجمن یا دیگر نهادهای اجتماعی و فرهنگی تدوین می‌نمایند.<sup>۳</sup> در مورد مطبوعات مهاجران افغانستان در نحوه‌ی شکل‌گیری و وجود هر یک از نشریات این تعریف صدق می‌کند؛ یعنی بدون در نظر گرفتن وجه قانونی آن، اینکه در چارچوب قانون هویت یافته و یا خیر؟ واقعیت امر چیزی است که مشاهده می‌کنیم. البته این که اشخاص حقوقی چون براساس اجازه‌ی قانون پدید می‌آیند و در غیر این صورت فاقد آثار و جنبه‌های حقوقی است، لازم است که بنگریم وضعیت حقوقی مطبوعات مزبور چگونه است. اما قبل از این بحث، قابل‌تذکر است که شخص حقوقی دو نوع است:

۱- شخص حقوقی حقوق خصوصی

۲- شخص حقوقی حقوق عمومی

شخص حقوقی حقوق خصوصی عبارتند از: شرکت‌های تجاری، شرکت‌ها و مؤسسه‌های غیرتجارتی مانند انجمن‌های ادبی، هنری، جمعیت‌های خیریه، تعاونی‌ها و سندیکاها.

شخص حقوقی حقوق عمومی عبارتند از: دولت، شهرداری و مؤسسه‌های مستقل دولتی.

قابل یادآوری است که مطبوعات مهاجران افغانستان شامل شخص حقوقی حقوق خصوصی (غیر از شرکت‌ها و مؤسسه‌های تجاری) می‌شود که دارای مقاصد اخلاقی، معنوی و غیرمادی است.

۱- همان.

۲- همان.

۳- همان.

نشریاتی که در مهاجرت پدید آمده‌اند غالباً از سه جانب بوده است:

۱- احزاب سیاسی

۲- نمایندگی‌های دیپلماتیک دولت آقای ربانی

۳- مؤسسه‌های فرهنگی

۴- اشخاص حقیقی

به‌طور عموم منشأ تبارز نشریات مهاجران ما یا شخص حقیقی بوده است یا شخص حقوقی. هر کدام از منشاء‌های فوق، بار حقوقی خاص خودش را دارد. به عنوان نمونه نشریات منتشره از سوی نمایندگی‌های دیپلماتیک (کنسولگری یا سفارت) «میزان» در هند مثلاً دارای وجایب حقوقی متمایز از نشریاتی است که از سوی مهاجران یک کشور چه در قالب شخص حقیقی و یا حقوقی به وجود می‌آید. البته این تمایز به خاطر همان وجود نمایندگی دیپلماتیکی است که حکایت از یک شخصیت حقوقی بین‌المللی می‌کند که در عرصه‌ی بین‌المللی شناخته شده و دارای عناصر سرزمین، مردم، حاکمیت سیاسی به درجه‌ی یک شخصیت مستقل حقوقی بین‌المللی باشد. فعلاً در این زمینه وارد بحث نمی‌شویم و محور مباحثات به ترتیب زیر است. البته به عنوان نمونه در ادامه‌ی مطلب ذکر چند نشریه قابل ذکر است.

الف - نشریات حزبی مانند «هفته‌نامه وحدت»، «بنیاد وحدت»، «فجر امید»، «میثاق وحدت» در ایران و «تفاهم» در هند.

ب - نشریات مؤسسات فرهنگی مانند:

فصلنامه‌های «سراج» و «در دری» (ایران) متعلق به مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان.

«فریاد عاشورا» (ایران) از مرکز فعالیت‌های سیاسی فرهنگی تبیان.

«راه امین» (ایران) از بنیاد سیاسی - فرهنگی امین، بوم انسانی و مطالعات فرهنگی

«ماهنامه المؤمنات» (ایران) از جمعیت زنان افغانستان.

«تعاون»، «صدف» (پاکستان) از مرکز تعاون، مال جامع علوم انسانی

«پیام زن» (پاکستان) از جمعیت انقلابی زنان.

«زن افغان» (پاکستان) از اجتماع زنان.

د - نشریاتی که از سوی اشخاص حقیقی تبارز شده است به عنوان مثال:

ماهنامه‌ی «بامیان» نوروز علی حمیدی (ایران)

ماهنامه‌ی «فردا» (سوئد)

گاهنامه «نقد و آرمان» ولی پرخاش احمدی (آمریکا)

«همبستگی» (تاجکستان)

دو هفته‌نامه «زرنگار»، مریم محبوب و زلمی باباکوهی (کانادا)

هفته‌نامه‌ی «امید» محمد قوی کوشان (آمریکا)

## تعریف مطبوعات

پس از اینکه تعریف شخص حقوقی را به دست آوردیم و منابع ایجادکننده‌ی مطبوعات مهاجران را هم مشخص کردیم؛ لازم است مطبوعات را تعریف نماییم. طبق تعریفی که قانون مطبوعات ایران مصوب ۲۲ اسفند ۱۳۶۴ از مطبوعات به عمل آورده، عبارت است از: نشریاتی که به طور منظم با نام ثابت و تاریخ و شماره و ردیف در زمینه‌های گوناگون خبری، انتقادی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، کشاورزی، فرهنگی، دینی، علمی، فنی، نظامی، هنری، ورزشی و نظایر اینها منتشر می‌شود. و آیین‌نامه‌ی اجرایی قانون مطبوعات ایران مصوب ۸ بهمن ۱۳۶۵ در ماده یک اشاره کرده که مطبوعات از لحاظ انتشار، منظم: روزنامه، هفته‌نامه، دو هفته‌نامه، ماهنامه، دو ماهنامه، فصلنامه، ۶ ماهنامه و سالنامه می‌باشد و برابر تعریف سازمان جهانی یونسکو از روزنامه - که یکی از خانواده‌ی مطبوعات است - متذکر شده که باید دارای انتشار مداوم عنوان واحد (دوره‌ای)، انتشار در فواصل زمانی منظم و انتشار با تاریخ و شماره‌ی معین باشد.

۹۴

مشاهده می‌کنیم که مطبوعات مهاجرین از این نقطه‌نظر کاملاً برابر با تعریف است و اکنون بنگریم که این شخصیت حقوقی یعنی مطبوعات مهاجرت، اصولاً شکل یافته است یا خیر؟ تا طرف حق و تکلیف قرار بگیرد. در این جا سؤال دیگر خلق می‌شود که این حق و تکلیف را چه منبع قانونی تعیین می‌کند؟ منابع قانونی کشور افغانستان یا کشور پناه‌دهنده یا اصول و قوانین بین‌المللی؟

## ۱- منابع قانونی افغانستان

طبعاً سؤال حق و تکلیف بعد از احراز وجود به میان می‌آید. حالا به فرض اینکه ما در این مبحث شخصیت حقوقی به نام مطبوعات مهاجران افغانستانی داریم، باز هم نمی‌شود که مطبوعات مهاجران را مبتنی بر قوانین موضوعه‌ی افغانستان بدانیم. زیرا این سؤال مرتبط می‌شود با تابعیت و از نقطه‌نظر حقوق بین‌الملل خصوصی، اشخاص حقیقی‌ای که شخص حقوقی به نام مطبوعات را ایجاد کرده است فاقد تابعیت است. با این فرض که یکی از اصول مسلم حاکم بر تابعیت «داشتن تابعیت» است یا «هرکسی باید دارای تابعیت باشد». یعنی چه، اشخاص حقیقی و یا حقوقی که در این جهان دارای حق و تکلیف می‌گردد، این حق و تکلیف میسر نمی‌شود جز اینکه در تحت پوشش حاکمیت سیاسی قرار بگیرد. از این رهگذر است که فردی اگر جای و جایگاهی برای زندگی و نفس کشیدن داشته باشد باید تابعیت داشته باشد.

از اصل «الزامی بودن تابعیت» چند استثنا وارد شده است. یکی از آن استثناها

اشخاص بی تابعیت یا «آپاترید» می‌باشد. از جمله مصادیق آپاترید و یا اشخاص بدون تابعیت در وضعیت کنونی، مهاجران افغانستانی و یا پناه‌گزینان افغانستانی است. با این فرض «وقتی که دگرگونی وضع در کشوری به حدی باشد که جمعی امکان ارتباط تابعیت با رژیم جدید را نداشته باشند قبل از اینکه با دولت جدیدی پیوند یابند بدون تابعیت می‌مانند.»

پناهجویان هم‌وطن، پس از روی کار آمدن دولت وابسته به شوروی سابق، امکان ارتباط تابعیت خود را به علت مخالفت با نهاد سیاسی حاکم از دست دادند و بدین جهت از کشور جلا نموده تا در دیگر کشورها زندگی مناسب‌تری در سایه‌ی رژیم کشور دیگری پیشه نمایند. این قطع ارتباط تابعیت با کشور متبوع، سالها ادامه یافت و اکنون پناهندگان و مهاجران هم‌وطن هنوز نتوانسته خود را با یک رژیم مستقل و دارای شخصیت حقوقی بین‌المللی که فراهم‌کننده‌ی یک حاکمیت سیاسی دلخواه باشد، وفق بدهند؛ یعنی دولت و رژیم قانونی، فعلاً در عرصه‌ی سرزمین افغانستان به وجود نیامده است تا روابط کشور و تبعه برقرار شود.

تابعیت آن رابطه‌ی سیاسی معنوی افراد یا رابطه‌ی قراردادی افراد است که دارای شرایطی می‌باشد از جمله: وجود دولت، یعنی یک شخصیت حقوقی که در صحنه‌ی بین‌المللی به عنوان نماینده‌ی رسمی جمعی اشخاص حقیقی شناخته شوند. که متأسفانه دولتی در افغانستان به وجود نیامده است تا مصداق ایجاد علقه‌ی تابعیت بین رژیم سیاسی و افراد و پناهندگان واقع شود.

البته دو رژیم (دولت آقای ربانی و امارت اسلامی طالبان) اگر هم از سوی برخی کشورها شناخته شده باشند، ولی قطعاً هر یک از این نهادها فاقد عناصر شخصیت حقوقی بین‌المللی است که عبارت است از: حاکمیت Soveriegnity یعنی دارای اهلیت حقوقی بین‌المللی، ساحه یا قلمرو Territory و نفوس Population واضح و آشکار است که در جمع چند هزار نفری مهاجران مقیم ایران هیچ‌کسی نتوانسته است رابطه‌ی خود را با این دو به اصطلاح رژیم برقرار نماید. با توجه به اینکه پاره‌ای از کشورها پناهنده شدن تبعه را به یک کشور خارجی از موجبات سلب تابعیت می‌دانند و می‌گویند پناهنده شدن تبعه به این معنا است که وی قدرت حاکم کشور متبوع خود را به رسمیت نمی‌شناسد. و بنابراین ضرورتی ندارد که کشور او را همچنان تابع بشناسد.<sup>۱</sup> با توجه به مطالب فوق و مباحثی که بعداً می‌آید مشخصاً وضعیت حقوقی مطبوعاتی مهاجران هم‌وطن را نمی‌توان با قوانین موضوعه‌ی افغانستان منطبق ساخت.

۱- و دبر صافی، مسأله افغانستان از نظر حقوق بین‌الملل، پشاور، ۱۳۷۶.

## وضعیت حقوقی مطبوعات مهاجران افغانستانی مقیم ایران

در مورد انتشار نشریه، قانون مطبوعات ایران مصوب ۱۳۶۴ در ماده هشتم، مقرر می‌دارد که انتشار نشریه به مسئولیت اشخاص حقیقی یا حقوقی با سرمایه‌ی ایرانی و اخذ پروانه از وزارت ارشاد اسلامی آزاد است. بنده ۱ ماده ۹ همان قانون بیان می‌کند که: شخص حقیقی متقاضی صاحب امتیاز باید دارای شرایط زیر باشد: ۱. تابعیت ایران؛ ۲. دارا بودن حداقل ۲۵ سال سن؛ ۳. عدم حجر و ورشکستگی، تقلب و تقصیر؛ ۴. عدم اشتغال به فساد اخلاق و سابقه‌ی محکومیت کیفری براساس موازین اسلامی که موجب حقوق اجتماعی باشد؛ ۵. داشتن صلاحیت علمی در حد لیسانس و یا پایان سطح در علوم حوزوی به تشخیص هیأت نظارت. موضوع ۱۰ این قانون)

۹۶

آنچه که از ماده‌های فوق به دست می‌آید انتشار نشریه، مخصوص اشخاص حقیقی و حقوقی ایرانی است. تصریح ماده نهم که شرط تابعیت ایران را افزوده است، بر این نکته قاطعیت بخشیده است. به علاوه، از مفهوم مخالف ماده ۸ قانون مطبوعات استنباط می‌شود که انتشار نشریه به مسئولیت شخص حقیقی یا حقوقی با سرمایه‌ی اتباع خارجی آزاد نیست. از سویی، اصل ۸۱ قانون اساسی ایران تصریح می‌کند که دادن امتیاز تشکیل شرکت‌ها و مؤسسات در امور تجاری و صنعتی و کشاورزی و معادن و خدمات به خارجیان مطلقاً ممنوع است. باید توجه داشت که هر نشریه باید دارای پروانه انتشار باشد. حالاً این پروانه انتشار ممکن است به نام شخص حقیقی داده شود یا شخص حقوقی. در این زمینه خارجیان به طور کلی حق انتشار نشریه را ندارند. و خارجیان مقیم ایران چه در قالب اشخاص حقیقی و یا حقوقی چنانچه بخواهند نشریه نشر کنند و پروانه انتشار بگیرند، نمی‌توانند.<sup>۱</sup>

در مورد اشخاص حقوقی خارجیانی که بخواهند در ایران نشریه نشر نمایند، از اصل ۸۱ قانون اساسی ایران استفاده می‌شود که اصولاً خارجیان نمی‌توانند در ایران شخص حقوقی تأسیس کرده و فعالیت نمایند.

پس این سؤال خلق می‌شود که آیا این همه نشریه‌ای که از سوی افغانستانی‌ها (مراکز و دوایر صنعتی و فرهنگی و غیره) منتشر می‌شود چه سرگذشت و سرنوشتی دارند؟ یقیناً هر یک از این نشریات دارای پروانه‌ی (موقتی) انتشار هم می‌باشند پس غیرقانونی هم نیستند. غیر قانونی از این باب که اگر در چارچوب قانون به وجود نمی‌آمد جلو انتشار آنها گرفته می‌شد. تاکنون از سوی حقوقدانان ایرانی مطالبی در مورد وضعیت حقوقی مطبوعات مهاجران افغانستانی مقیم ایران نشر نشده است. از سوی خود مهاجرین هم در این باب انکشافی صورت نگرفته است. پس مطبوعات مهاجرین مقیم ایران در چه وضعیت حقوقی است؟

۱- شیرین عبادی، حقوق ادبی و هنری ج ۲، تهران، انتشارات روشنگران، ۱۳۶۹.

آن چیزی که در حل این مشکل کمک می‌کند و مستمسک قرار می‌گیرد، تبصره ماده ۸ قانون مطبوعات ایران (مصوب ۱۳۶۴) است. تبصره مذکور بیان می‌کند: مطبوعاتی که از سوی سازمان‌های آزادی‌بخش اسلامی کشورهای دیگر منتشر می‌شود می‌تواند با سرمایه و مسؤلیت اشخاص غیر ایرانی در چهارچوب قوانین مربوط به خارجیان مقیم ایران و موافقت وزارتین ارشاد و امور خارجه منتشر شوند.

پس کلیه‌ی فعالیت‌های نشراتی و مطبوعاتی مهاجران افغانستانی مقیم ایران از نقطه نظر قانونی همین تبصره مذکور است. در این گفته ماده ۵۹۱ قانون تجارت ایران می‌گوید: اشخاص حقوقی تابعیت مملکتی را دارند که اقامتگاه آن‌ها در آن مملکت است. و برابر ماده ۵۹۰ قانون تجارت ایران اقامتگاه شخص حقوقی محلی است که اداره شخص حقوقی در آن جا است. اما یک ابهام در این تبصره وجود دارد و آن عنوان سازمان‌های آزادی‌بخش است. سؤال این است که آیا برای افغانستانی‌های مهاجر مقیم ایران عنوان سازمان آزادی‌بخش صدق می‌کند؟ باید اذعان داشته باشیم که پس از سقوط رژیم طرفدار شوروی سابق در افغانستان و تسلط نیروهای جهادی بر افغانستان و خصوصاً پس از به جان هم افتادن آنها این نیروها از لیست سازمان‌های آزادی‌بخش اسلامی خط خورده است و دیگر این عنوان بر قامت جنگجویان فعلی افغانستان صادق نیست.

### ۳- قوانین و مقررات بین‌المللی

در مورد اینکه پوشش قانونی و حقوقی برای انتشار نشریات و به‌طور عموم مطبوعات مهاجران افغانستانی درست نماییم، به سوی مقررات بین‌المللی دست دراز کرده و متوسل می‌شویم. البته بدون تحلیل حقوقی مبنی بر اینکه آیا مهاجران افغانستانی در ایران مصداق مقررات پناهندگی با توجه به اصول و پرنسپ‌های بین‌المللی است یا خیر؟ ماده ۱۵ کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو در خصوص حقوق پناهندگان مقرر می‌دارد: پناهندگانی که دارای اقامت قانونی در کشوری باشند می‌توانند انجمن‌های غیر سیاسی و غیرانتفاعی و اتحادیه‌های کارگری تشکیل بدهند.<sup>۱</sup> مطبوعات مهاجران ما در ایران دارای شخص حقوقی است. چه از راه تبصره‌ی ماده ۸ قانون مطبوعات ایران و یا ماده ۱۵ کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو در خصوص پناهندگان توجیه بنماییم. به هر صورت کار و فعالیت نشراتی ما در ایران قانونی است و از طریق مقامات صالح، وزارت ارشاد اسلامی ایران، ستاد پشتیبانی جنگ در امور افغانستان (وزارت امور خارجه)، استانداری و اداره‌ی امور اتباع مهاجران خارجی مجاز است. مقامات ذی‌ربط ایرانی برای نشریات ما پروانه انتشار می‌دهند. البته پروانه بدین طریق است که هر شماره بایستی به ملاحظه‌ی مقامات مربوط برسد. یعنی چهارجانب اداره

۱- حمید تاج‌آبادی، بررسی جنبه‌های حقوقی مسأله پناهندگی، تهران، مطالعات سیاسی بین‌المللی، ۱۳۶۹.



ارشاد، وزارت امور خارجه، استانداری و اداره امور اتباع خارجی بر فعالیت‌های مطبوعاتی ما در ایران نظارت می‌کنند.

### قانون حاکم بر حدود و حقوق مطبوعات مهاجران افغانستانی

اینکه مطبوعات مهاجران ما دارای چه حقوق، حدود و وظایف باشد و جرایم و تخلفات مطبوعاتی ما چیست را به بحث نمی‌گیریم و این سخن را موقوف می‌کنیم به یک بحث جداگانه، زیرا پرداختن به مسایل ریز و فنی تری، از عهده‌ی این مقاله بیرون است. منتهی فقط نگارنده لازم دید که روشن نماید آیا قوانین حاکم بر مطبوعات مهاجرین چه قوانینی است؟

#### ۱- قوانین حاکم بر مطبوعات مهاجران افغانستانی

۹۸

از نقطه نظر حقوق بین‌الملل عمومی و بنابر نظریه‌ی برخی کشورها که پناهندگی موجب سلب تابعیت می‌شود و همچنین مطابق مقررات حقوق بین‌الملل خصوصی یعنی قاعده‌ی درون مرزی *dis territor* مطبوعات مهاجران ما در ایران تحت حاکمیت قوانین موضوعه‌ی ایران است. خصوصاً این قاعده در قانون مدنی ایران ماده ۵ تصریح شده: کلیه‌ی سکنه‌ی ایران اعم از اتباع داخلی و خارجی مطیع قوانین ایران خواهند بود مگر در موردی که قانون استثنای کرده باشد. بنابراین قاعده سرزمینی و ماده ۵ قانون مدنی ایران قوانین موضوعه‌ی ایران را به مطبوعات مهاجران افغانستانی حاکمیت می‌بخشد. با توجه به این مطلب، مطابق قانون مطبوعات ایران با مطبوعات افغانستانی رفتار می‌شود. منتهی یک سری موارد و مسایلی است که شکل قانونی و جایگاه آن در مطبوعات مهاجران جای بحث و تحلیل دارد. اما به طور کلی تعریف، رسالت، حدود و جرایم مطبوعاتی و آیین دادرسی و غیره در دادگاههای ایران و مطابق قوانین ایران اعمال می‌شود.

اما در مورد مطبوعات مهاجران ما در دیگر کشورها، سخن را به اطاله می‌کشاند. چه اینکه اشراف بر قوانین کشورهای مختلف فرصت و مجال و زمان می‌خواهد. فعلاً این مقاله را پایان می‌بخشم و از خوانندگان و حقوقدانان هم‌وطن که مرا در مورد این مقاله راهنمایی نمایند، متشکر خواهم شد.

پاییز ۱۳۷۸ مشهد